

نصیحت های لقمان حکیم برای فرزندش

انجمن رهنمایی جوانان افغان
17 مارچ 2012

مسئولیت والدین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ
اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از
آتشی که هیزم آن انسانها و سنگهاست نگه دارید؛ آتشی که
فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز
فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند
(به طور کامل) اجرا می‌نمایند!

لقمان حکیم کی بود؟

- ▶ نام لقمان در دو آیه از قرآن در سوره لقمان آمده است.
- ▶ لقمان حکیم پیامبر نبوده، او تنها يك مرد حکیم بوده است.
- ▶ در حدیثی که از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز نقل شده چنین می خوانیم : **(به حق می گویم که لقمان پیامبر نبود، ولی بنده ای بود که بسیار فکر میکرد، ایمان و یقینش عالی بود، خدا را دوست می داشت ، و خدا نیز او را دوست داشت ، و نعمت حکمت بر او ارزانی فرمود...)**

لقمان حکیم کی بود؟

- ▶ پارہای او را افریقایی تبار می‌پندارند و در عصر رسالت حضرت داود علیہ السلام می‌زیست.
- ▶ قبل از رسالت حضرت داود در میان مردم امر قضاوت را بدوش داشت.

لقمان حکیم کی بود؟

▶ یکی از بندگان خدا به او گفت: هان ای لقمان! آیا تو همان کسی نیستی که مدتی شبان بودی و به همراه ما به دشت و صحرا می آمدی؟

▶ او پاسخ داد: چرا؟ بلی

▶ پرسید: پس این دانش و بینش و موقعیت نیکو از کجا؟

▶ او پاسخ داد: و از این شرایط و نعمت های گرانی که به من ارزانی گردید چهار چیز است:

1 - خواست آفریدگار هستی و تقدیر و اندازه گیری حکیمانه او؛

2 - امانتداری و امانت را به صاحب آن رساندن؛

3 - راستی در سخن؛

4 - و دیگر سکوت خردمندان از آنچه برایم سودبخش و رشد

دهنده نبود و به من ربطی نداشت.

مراد از حکمت که به لقمان داده شد، چیست؟

1. در تفسیر ((حکمت)) معانی زیادی ذکر شده از جمله :

2. معرفت و شناخت اسرار جهان هستی؛
آگاهی از حقایق قرآن؛

رسیدن به حق از نظر گفتار و عمل؛

3. ابن عباس فرموده است: مراد از حکمت عقل و فهم و ذهانت است.

4. سپاسگزاری نعمت های الهی بزرگترین نعمتهاست.

5. بعضی عقیده دارند که: عمل مطابق به علم حکمت است.

6. بطور فشرده: همه مفاهیم در حکمت داخل است.

حکمت : معرفت و دانش و علم همراه با عمل

خیر فراوان (نیکی های بسیار)

- ▶ **يُؤْتِي الْحِكْمَةَ** مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ **الْحِكْمَةَ** فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (بقره 269)
- ▶ حکمت- درستی گفتار و کردار- را به هر که خواهد می‌دهد، و هر که را حکمت دهند براستی او را نیکیهای بسیار داده‌اند و جز خردمندان یاد نکنند و پند نگیرند.

اندرز های لقمان حکیم برای فرزندش اولین اندرز (اصلاح عقیده)

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش -در حالی که او را موعظه می‌کرد- گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.»

حکمت لقمان ایجاب می‌کند که قبل از هر چیز به سراغ اساسی‌ترین مسأله عقیدتی برود و آن مسأله (توحید) است، توحید در تمام زمینه‌ها و ابعاد، زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک سرچشمه می‌گیرد، از دنیا پرستی، مقام پرستی، هوا پرستی، و مانند آن که هر کدام شاخه‌ای از شرک محسوب می‌شود. همانگونه که اساس تمام حرکت‌های صحیح و سازنده، توحید است، تنها دل به خدا بستن و سر بر فرمان او نهادن و از غیر او بریدن و همه بتها را در آستان کبریائی او در هم شکستن!

شُرک، ظلم بزرگ است

قابل توجه اینکه لقمان حکیم ، دلیل بر نفی شرک را این ذکر می کند که شرک
ظلم عظیم است ، آن هم با تعبیری که از چند جهت ، تاءکید در بر
دارد.

و چه ظلمی از این بالاتر که هم در مورد خدا انجام گرفته که موجود
بی ارزشی را همتای او قرار دهند، و هم درباره خلق خدا که آنها را به
گمراهی بکشانند و با اعمال جنایتبار خود آنها را مورد ستم قرار دهند،
و هم درباره خویشان که از اوج عزت عبودیت پروردگار به قعر دره
ذلت پرستش غیر او ساقط کنند!

دومین اندرز (حساب اعمال معاد)

يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد؛ خداوند دقیق و آگاه است!

توجه به این آگاهی پروردگار از اعمال انسان ، و محفوظ ماندن همه نیکیها و بدیها در کتاب علم پروردگار و نابود نشدن چیزی در این عالم هستی ، خمیر مایه همه اصلاحات فردی و اجتماعی است و نیروی محرك قوی به سوی خیرات و باز دارنده مؤثر از شرور و بدیها است.

سومین اندرز (اصلاح عمل)

▶ **يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ** (پسر من! نماز را برپا دار)

▶ اعمال فرض و واجب زیاد است، ولی از همه بزرگتر و مهمتر نماز است، ضمن اینکه خودش از اهمیت فوق العاده ای بر خور دار است، وسیله ی درستی اعمال دیگر نیز هست. خداوند می فرماید:

▶ **ان الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر**

▶ لذا در باب اعمال صالح، بر نماز اکتفا نمود

سومین اندرز (اصلاح عمل)

- ▶ چرا که نماز مهمترین پیوند تو با خالق است؛
- ▶ نماز قلب تو را بیدار و روح تو را مصفی ، و زندگی تو را روشن می سازد؛
- ▶ آثار گناه را از جانت می شوید؛
- ▶ نور ایمان را در سرای قلبت پرتوافکن می دارد؛
- ▶ و تو را از فحشاء و منکرات باز می دارد.



چهارمین اندرز (اصلاح خلق)

▶ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ

▶ و امر به معروف و نهی از منکر کن

▶ اسلام دینی است اجتماعی و با اصلاح فرد، اصلاح اجتماع جزو مهم ترین اهداف نظام اسلامی است، لذا همراه با فریضه ی مهم نماز فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر را ذکر فرمود، که مردم را به کار نیک دعوت کن و از کار بد باز مدار

پنجمین اندرز (صبر و استقامت)

▶ **وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ**

▶ و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است!

▶ مسلم است که در همه کارهای اجتماعی مخصوصاً در برنامه امر به معروف و نهی از منکر، مشکلات فراوانی وجود دارد، و سود پرستان سلطه جو، و گنهکاران آلوده و خودخواه، به آسانی تسلیم نمی‌شوند، و حتی در مقام اذیت و آزار، و متهم ساختن آمران به معروف و ناهیان از منکر بر می‌آیند که بدون صبر و استقامت و شکیبائی هرگز نمی‌توان بر این مشکلات پیروز شد.

ششمین اندرز (تواضع و فروتنی)

▶ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

▶ (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

▶ و به این ترتیب لقمان حکیم در اینجا از دو صفت بسیار زشت ناپسند که مایه از هم پاشیدن روابط صمیمانه اجتماعی است اشاره می‌کند: یکی تکبر و بی‌اعتنائی، و دیگر غرور و خودپسندی است که هر دو در این جهت مشترکند که انسان را در عالمی از توهم و پندار و خود برتری بینی فرو می‌برند، و رابطه او را از دیگران قطع می‌کنند.

هفتمین اندرز (آداب راه رفتن و سخن زدن)

▶ **وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ
الْحَمِيرِ**

▶ (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

هفتمین اندرز (آداب راه رفتن و سخن زدن)

▶ در این دو آیه اخیر از دو صفت ، نهی ، و به دو صفت ، امر شده است:

▶ (نهی) از (خود برتر بینی)، و (خودپسندی)، که یکی سبب می شود انسان نسبت به بندگان خدا تکبر کند، و دیگری سبب می شود که انسان خود را در حد کمال پندارد، و در نتیجه درهای تکامل را بروی خود ببندد هر چند خود را با دیگری مقایسه نکند.

▶ و (امر) به رعایت اعتدال در (عمل) و (سخن).

هفتمین اندرز (آداب راه رفتن و سخن زدن)

► برآستی کسی که این صفات چهارگانه :

► عدم تکبر

► عدم خود پسندی

► اعتدال در راه رفتن

► و اعتدال در سخن زدن

را دارد انسان موفق و خوشبخت و پیروزی است ، در میان مردم محبوب ، و در پیشگاه خدا عزیز است.

نتیجه گیری

- ▶ موعظه، یکی از راه‌های دعوت به حق است و هیچ کس از آن بی نیاز نیست.
- ▶ شیوه‌های تربیت فرزند را از بزرگان بیاموزیم.
- ▶ در موعظه باید ابتدا، ذهن و حواسّ شنونده را به خود متوجه کنیم.
- ▶ موعظه باید بر اساس حکمت باشد.
- ▶ فرزند، به نصیحت نیاز دارد. از فرزندانمان غافل نشویم.

نتیجه گیری

▶ در تبلیغ، ابتدا از نزدیکان خود شروع کنیم.

▶ از بهترین راه‌های تربیت صحیح فرزند، گفتگوی صمیمی با اوست.

▶ از رسالت‌های پدر نسبت به فرزند، موعظه است.

▶ با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش.

▶ موعظه باید با محبت و عاطفه همراه باشد.

نتیجه گیری

- ▶ یکی از شرایط تأثیر موعظه، احترام و شخصیت دادن به طرف مقابل است.
- ▶ در ارشاد و موعظه، مسایل اصلی را در اولویت قرار دهیم. (توحید و خدا پرستی)
- ▶ مهم‌ترین و محوری‌ترین بُعد حکمت، توحید است.
- ▶ شرك، بزرگ‌ترین خطر و اصلی‌ترین مسئله است،
- ▶ در نزد خداوند، همه‌ی دنیا متاع قلیل است، ولی شرك ظلم عظیم است.
- ▶ اگر همه‌ی دنیا را به کسی بدهند که مشرك شود، نباید بپذیرد.
- ▶ مواظب خود را با دلیل و منطق بیان کنیم.